موضوع: مراجعه 48 و چهل روایت بر امامت امیرالمومنین (ع)

بررسی مدلول حدیث پانزدهم

موضوع بحث حدیث پانزدهم از مراجعه 48 بود. این حدیث از حبشی بن جناده است که نقل می کند پیامبر اکرم (ص) فرمود: «علی منّی و أنا من علی و لایؤدی عنی الا أنا أو علی». درباره سند این روایت مطالبی بیان شد و اشکالاتی که ابومریم اعظمی وارد کرده بود پاسخ داده شد. و نتیجه این شد که این روایت از نظر سند بر اساس موازین علم رجال اهل سنت اعتبار دارد و از این جهت اشکالی بر آن وارد نیست.

اکنون سخن در بررسی مدلول این روایت است. در مورد اینکه منظور از «لایؤدی عنی الا أنا أو علی» چیست، در ابتدای امر دو احتمال به نظر می رسد:

1. اول اینکه هیچ مطلبی که مربوط به پیامبر اکرم (ص) و ماموریت ایشان است را هیچ کس جز امیرالمومنین (ع) و آن حضرت صلاحیت ابلاغ آن را ندارد.

2. احتمال دوم اینکه مقصود این نیست که نقل و بیان هیچ کسی غیر از امیرالمومنین (ع) و پیامبر اکرم (ص) در مورد دین معتبر نیست، بلکه مراد این است که بیان کامل و جامع معارف و احکام دینی جز از طریق آن حضرت و امیرالمومنین (ع) از کسی بر نمی آید. این احتمال صحیح است، زیرا احتمال اول اولا: بر خلاف واقعیت های تاریخ اسلام است. در مواردی آمده است که غیر از امیرالمومنین (ع) از سوی پیامبر اکرم (ص) به عنوان پیام رسان انتخاب شده اند، مانند مصیب بن عمیر و معاذ بن جبل. ثانیا: قرینه داخلی نیز بیان گر آن است، زیرا تعبیر «الا انا» به این معنا است که آنچه به پیامبر اکرم (ص) اختصاص پیدا می کند، برای امیرالمومنین (ع) نیز هست. و آنچه به آن حضرت اختصاص داشته ابلاغ کامل و جامع دین بوده است. بنابراین با توجه به این قرینه داخلی و آن قرینه خارجی معنای روایت این است که ابلاغ کامل و جامع دین به پیامبر (ص) و امیرالمومنین (ع) اختصاص دارد. در حقیقت مفاد این حدیث بیان گر جامعیت و عصمت امیرالمومنین (ع) است و از این جهت مشابه مدلول حدیث مدینه العلم است.

با توجه به آنچه گفته شد اشکال ابومریم اعظمی که گفته است مفاد روایت صحیح نیست زیرا دیگران نیز پیام رسان بوده اند[[1]](#footnote-1)، روشن شد.

اشکال و جواب

گفته شده اگر مدلول این روایت را به صورت حصر بپذیریم، با اعتقاد شیعه درباره حضرت زهرا (ص) و سایر ائمه طاهرین (ع) تعارض دارد، زیرا شیعه معتقد است که آنان نیز از این ویژگی برخوردار بودند.

پاسخ این است که این حصر مربوط به کسانی است که غیر معصوم هستند و با دلیل دیگر سایر معصومین داخل در حکم این روایت خواهند بود. بنابراین ذکر امیرالمومنین (ع) در این روایت به عنوان یکی از مصادیق و مصداق اعلای آن است.

اشکال دیگر

ابومریم اعظمی در اشکال دیگری گفته است این حدیث نقل دیگری دارد که آن را ابن ابی بکیر از اسرائیل بن یونس است. در آن نقل این تعبیر «لایقضی عنی دینی الا انا أو علی»[[2]](#footnote-2) به جای «لایؤدی عنی الا انا او علی» آمده است. اعظمی می گوید ما با دو نقل از این حدیث روبرو هستیم، و تعبیر لایقضی را ترجیح می دهیم، چون شواهد دارد و آن حدیث انس و سعد بن ابی وقاص است که در آنها آمده است که پیامبر اکرم (ص) فرمود: «علی یقضی دینی».[[3]](#footnote-3)

پاسخ

پاسخ این اشکال این است که :

1. در روایت های چهارگانه که در مسند از حبشی بن حناده آمده است، تنها در یک روایت تعبیر لایقضی عنی آمده و در سه نقل دیگری تعبیر لایؤدی عنی آمده است. علاوه بر اینکه ترمذی[[4]](#footnote-4) و نسائی[[5]](#footnote-5) نیز روایت لایؤدی را نقل کرده اند و تعبیر لایقضی در کتب آنها نیامده است. بنابراین عبارتی که علامه شرف الدین از روایت نقل کرده است بر عبارت های دیگر حدیث رجحان دارد.

2. نکته دیگر اینکه این دو نقلی که بیان شده با هم معارض نیستند بلکه مثبتین هستند، به این صورت که یکی عام و یکی خاص است و «و الجمع مهما أمکن أولی من الطرح».

تا اینجا روشن شد که حدیث بیان شده هم از جهت سند و هم متن مورد تایید است و بیان گر امامت علمی امیرالمومنین (ع) است. اکنون وقتی به کلام آن حضرت مراجعه می کنیم می بینیم ایشان امامت سیاسی را بیان کرده اند. با توجه به این دو نکته علاوه بر مرجعیت علمی، امامت سیاسی و زعامت ایشان نیز ثابت می شود.

انشاءالله در جلسه آینده به حدیث شانزدهم می پردازیم که در آن پیامبر اکرم (ص) فرمود: «من أطاعنی فقد أطاع الله و من عصانی فقد عصی الله و من أطاع علیا فقد أطاعنی و من عصی علیا فقط عصانی».[[6]](#footnote-6) این حدیث را حاکم در مستدرک آورده و آن را صحیح دانسته و ذهبی نیز با وی موافقت کرده است.

﴿.....﴾ اللهم صل علی محمد و آل محمد

1. الحجج الدامغات، ج1، ص 469 [↑](#footnote-ref-1)
2. مسند احمد بن حنبل، ج13، ص 394، ح17435 [↑](#footnote-ref-2)
3. الحجج الدامغات، ج1، ص 473 [↑](#footnote-ref-3)
4. سنن ترمذی، ج4، ص 474، ح 3719 [↑](#footnote-ref-4)
5. الخصائص، نسائی، ص 11، ر 74 [↑](#footnote-ref-5)
6. المستدرک، حاکم نیشابوری، [↑](#footnote-ref-6)